

واکاوی نیم رخ جنایی ایران در قبال موانع مسئولیت کیفری در تطبیق با حقوق کیفری انگلستان

کاوه رضایی^۱

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه

ابراهیم سبزواری

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، مدرس دانشگاه، قاضی دادگستری

سیدعلی نوربخش

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه، قاضی دادگستری

یزدان درخشان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه پیام نور دامغان، قاضی دادگستری

علی رحیمی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، قاضی دادگستری

چکیده

تحقق مسئولیت کیفری در گرو شرایطی چون: الف) ارتکاب عمل مجرمانه (یعنی بایستی عناصر سه گانه جرم محقق شود عنصر مادی، معنوی و قانونی) ب) اهلیت جزایی مرتکب (داشتن عقل، بلوغ، اختیار و قصد) ج) نبود علل خاص (نبودن موانع مسئولیت) می باشد. در نظام حقوقی انگلستان موانع مسئولیت کیفری متفاوت است بدین شکل که در نظام حقوقی انگلستان به جنون، هم در قانون موضوعه و هم در رویه قضایی توجه شده، شرایط احراز آن مشخص گردیده و در مجموع، دارای تفصیل بیشتری است. لیکن در قانون مجازات ایران مسائلی مانند چگونگی احراز جنون، شرایط آن و پاسخ مناسب برای مرتکبان جنون چندان

^۱ نویسنده مسئول





مورد توجه قرار نگرفته است. یا حتی در مورد صغر در حقوق انگلستان بحث اماره ی رشد به شکل واضح مطرح بوده در حالی که قوانین ایران فاقد چنین اماره ای می باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: نیم رخ جنایی، مسئولیت کیفری، موانع مسئولیت کیفری، حقوق ایران
وانگلستان



بخش اول: کلیات

مسئولیت کیفری در صورتی بر شخص بار می‌شود که علاوه بر وقوع رفتار مجرمانه (حاوی عناصر سه گانه قانونی، معنوی و مادی) و وجود اهلیت جزایی (شامل عقل، بلوغ، قصد و اختیار)، علل خاص (علل موجّه جرم و عوامل مانع مسئولیت کیفری) نیز وجود نداشته باشد. بر این اساس، در حقوق کیفری کشورهای مختلف از جمله ایران و انگلستان پذیرفته شده است که اگر شخصی عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد، اما به دلیل داشتن ویژگی‌های شخصی خاصی توانایی لازم برای تشخیص حسن و قبح رفتار ارتكابی خود را نداشته باشد، با وجود ارتكاب ظاهری جرم و کامل بودن عناصر آن قابلیت انتساب آن به مرتکب از بین رفته، لذا مسئولیتی متوجه او نخواهد بود. که این عوامل عوامل رافع مسئولیت کیفری هستند از طرف دیگر در صورتی که شرایط خاصی بر اوضاع و احوال جرم حاکم باشد انجام جرم توجیه پذیر است که به هر دوی این عوامل رافع و علل موجه موانع مسئولیت کیفری گفته می‌شود لذا در این مقاله به روش توصیفی - تحلیل سعی در بررسی این موانع به شکل تفکیک شده در حقوق ایران و انگلستان داریم.

بند اول: تعاریف و مفاهیم

الف) مسئولیت کیفری

مسئولیت جزایی مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون است. برای اینکه شخصی را دارای مسئولیت کیفری بدانیم باید مرتکب جرمی شده باشد و برای تحقق جرم باید عناصر سه گانه جرم ۱. عنصر قانونی ۲. عنصر مادی ۳. عنصر معنوی وجود داشته باشد. عنصر معنوی در جرائم عمد و غیر عمد متفاوت است، در جرائم عمدی مرتکب جرم علاوه بر دارا بودن علم به موضوع جرم باید قصد رفتار مجرمانه را نیز داشته باشد و در جرائم مقید قصد نتیجه مجرمانه یا علم به وقوع آن هم باید محرز گردد و در جرائم غیر عمد باید تقصیر مرتکب جرم ثابت شود تا مرتکب جرم دارای مسئولیت کیفری باشد بنابراین رابطه



علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم باید وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتكب منتسب نمود. شخص مسؤول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید و به علاوه باید از عهده خسارت مدعی خصوصی هم برآید. مسؤولیت در معنای خاص آن که همان مسؤولیت کیفری است، علاوه بر "پاسخگویی" جنبه "پاسخ‌پذیری" را نیز شامل می‌شود. منظور از پاسخ‌پذیری آن است که شخص مجرمیت خود را پذیرفته و خود را متعهد می‌سازد که به اعمال ارتكاب یافته توسط خود پاسخ گوید. بنابراین این دو جنبه مورد نظر از مسؤولیت گاه باعث تعدد تعاریف مربوط به مسؤولیت کیفری شده است. به عنوان مثال به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌شود:

۱- "قابلیت" یا "اهلیت" شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود.

۲- الزام یا تحمیل تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او

۳- "تحمل" یا "مجبور بودن" شخص به تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود.

در واقع مسؤولیت کیفری در بعد "پاسخ‌پذیری" با مفاهیم دیگری چون قابلیت انتساب و مجرمیت و اهلیت جزایی ارتباط مستقیم دارد. این اصل توسط اکثر قانونگذاران پذیرفته شده است که تنها در صورتی می‌توان کسی را برای عملی که قانون آن را جرم شناخته مجازات کرد که آن عمل در زمان ارتكاب به وی قابل انتساب باشد. قابلیت انتساب ناظر به وضعیت شخص در زمان ارتكاب جرم است و زمانی عملی را می‌توان به فردی منتسب دانست که در زمان ارتكاب آن عمل از "درک و اراده" برخوردار باشد. به عبارت دیگر در قابلیت انتساب باید اثبات شود که مرتكب جرم قدرت تمیز لازم برای درک ارزش رفتار خود را داشته و با این حال چنین رفتاری را به طور آزادانه اراده کرده است. توانایی درک (تمیز) را می‌توان به "قابلیت فرد برای اداره خود در دنیای خارج بر اساس تصویری صحیح و تحریف نشده از واقعیت و نیز توانایی درک معنا و ارزش رفتار خود و ارزیابی آثار مثبت یا زیانبار آن در دنیای خارج" تعریف کرد. احراز این توانایی تنها براساس سنجش هوش یا تست‌های روانشناسی



ممکن نیست بلکه بر مجموعه‌ای از سرمایه‌های ذهنی - منطقی - عقلانی و اخلاقی و اجتماعی فرد مبتنی است. (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۶)

ب) موانع مسئولیت کیفری

در قانون مجازات اسلامی تعریفی از موانع مسئولیت کیفری ارائه نشده است و بنا بر این نمی‌توان تعریف دقیقی از مسئولیت کیفری بر اساس قانون ارائه نمود. به ناچار باید بر اساس تعریفی که برخی اساتید حقوق از مفهوم مسئولیت کیفری ارائه نموده‌اند موانع آن را نیز تعریف نمود بر اساس این تعریف «الزام شخص به پاسخ‌گویی در برابر تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. به هر حال مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخ‌گویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. در واقع مسئولیت کیفری پلی است میان جرم و مجرم. یعنی عملی که جرم تلقی می‌شود باید به نحوی به یک شخص منتسب شود، این شخص همان مجرم است». (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

بخش دوم: کاربرد موانع مسئولیت کیفری

موانع مسئولیت کیفری که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است بسیار دارای اهمیت بوده و کاربرد بسیار زیادی در دفاع از مرتکبین رفتارهایی دارد که به موجب قانون جرم تلقی می‌شود شناخت دقیق این موانع و جزئیات آن می‌تواند به ما در جهت کاهش موارد جرم‌انگاری و تفسیر قوانین به نفع متهم که از اهداف مهم حقوق جزا می‌باشد کمک نماید. در واقع چنانچه شخصی که مرتکب جرم شده است به هردلیلی فاقد اهلیت بوده و یا نتواند او را واجد اراده و اختیار دانست می‌تواند با استناد به یکی از جهات شخصی مانع در مسئولیت کیفری او را از مسئولیت مبری دانست و به این ترتیب مانع از مجازات شخص بی‌گناه شد در صورتی که رفتار ارتكابی شخص مرتکب در حالت و یا شرایط خاصی مانند شرایط اکراهی و اضطراری نیز اتفاق افتاده باشد استناد به یکی از موانع مسئولیت کیفری می‌تواند



کاربرد بسیار مناسبی داشته باشد و مانع از مجازات شخصی شود که در این حالت مرتکب جرم شده است.

بخش سوم: جایگاه عنصر معنوی در تحقق مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان

در این قسمت از تحقیق به بررسی جایگاه اهلیت کیفری و علم به موضوع و حکم در تحقق مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان خواهیم پرداخت.

بند اول: لزوم اثبات عنصر معنوی جرم در حقوق ایران

مجموع اعمال و افعال درونی و برونی ما بر دو قسم است: قسم اول اعمال طبیعی و فعالیت‌هایی است که ناآگاه و به طور خودکار در وجود ما تحقق می‌یابند مانند حساسیت، عصب، ضربان قلب، دوران خون و نظایر این‌ها. قسم دوم اعمالی است که آدمی آنها را با اراده و اختیار خود انجام می‌دهد مانند مطالعه و تفکر، بررسی و تحقیق، گفتن و نوشتن و دیگر کارهای اختیاری و همین آزادی عمل، معیار برتری و امتیاز انسان و قابل سرزنش بودن اوست. کار اختیاری عملی است که با قصد و عمد واقع می‌شود و چنین عملی باید دارای هدف آگاهانه باشد. رفتار انسانی را زمانی می‌توان متصف به «مجرمانه» نمود که از اراده و خواست فرد ناشی شده باشد. بنابراین رکن معنوی جرم از یک نیروی باطنی و نفسانی سرچشمه می‌گیرد و این نیروی نفسانی همان اراده و اختیار است؛ البته اراده فعلیت یافته، رکن معنوی و روانی هر جرم را تشکیل می‌دهد. هرگاه قانون‌گذار یک رفتار و نتیجه حاصل از آن را غیر مشروع اعلام کرد، به این وسیله افراد را از انجام آن نهی کرده است و نهی قانون‌گذار بر این دلالت دارد که هیچ‌کس حق انجام چنین رفتارهایی را ندارد. پس هرگاه افراد اراده خود را برخلاف این نواهی که از اراده قانون‌گذار ناشی شده‌اند، به کار ببرند، اراده آنها در جهت ارتکاب جرم، فعلیت پیدا کرده است و متصف به «مجرمانه» می‌شود. در چنین صورتی مرتکب چیزی را غیر از آنچه قانون‌گذار اراده کرده است، اراده می‌کند و



همین تقابل اراده فرد با اراده قانون‌گذار، رکن معنوی جرم را تشکیل می‌دهد. بنابراین رکن معنوی جرم، آن فعل و انفعالات درونی و حالات روانی مرتکب حین یا قبل از ارتکاب جرم است که نشانگر وضعیت خاص فکری او در مخالفت با مقررات جزایی و قانون‌گذار می‌باشد. به همین اعتبار نیز جرایم را به عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌کنند. (منصورآبادی عباس، ۱۳۸۵، صص ۱۲۷، ۱۲۶) لزوم توجه به اثبات عنصر معنوی جرم برای قابل سرزنش دانستن مرتکب و محاکمه و محکومیت وی، از تعلیمات مذهبی و اخلاقی به حقوق کیفری تسری یافت. فقه اسلامی نیز همسو با سایر مذاهب و بلکه در صف مقدم به این مهم توجه داشته است. تردیدی نیست تکلیف یعنی علم، یک جرم، سوءنیت است. از سویی شرایط عامه‌ی رکن سازنده قصد، بلوغ و اختیار، و از سوی دیگر، احصاء شرایطی برای برخی جرایم، به ویژه در جرایم موجب حد تردیدی در این باره باقی نمی‌گذارد. (حلی ۱۴۰۹، ص ۸۵) برای تحقق شرایط مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی جدید قانون‌گذار برخی شرایط را پیش‌بینی نموده است که بر این اساس باید گفت که فقدان هر یک از این شرایط می‌تواند به عنوان موانع مسئولیت کیفری تلقی شود. برای تحقق مسئولیت کیفری، در حقوق ایران شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود. یعنی تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت. اهلیت کیفری را می‌توان وضعیتی روانی دانست که فرد با گذر از توانایی داشتن قصد مجرمانه که موجب می‌شود بتوان او را مجرم نام داد به درجه‌ای از تکامل عقلانی می‌رسد که می‌تواند ارزش اجتماعی عملش را بفهمد و بدین ترتیب با قدم گذاشتن به مرحله تمیز، اهلیت مجازات را پیدا کند. از این رو اهلیت کیفری در تناسب با مسئولیت کیفری قابل شناسایی است، مفهومی که به رغم اهمیت شناخت دقیق آن، قوانین کیفری اغلب نه تنها به تعریف آن نپرداخته‌اند، بلکه تحلیل ارکان آن را نیز فرو گذاشته‌اند و به پیروی از ساختار سنتی حاکم بر حقوق جنایی، تنها از طریق احصای عوامل رافع مسئولیت، علل اباحه و... به تبیین عینی حدود و ثغور آن توجه داشته‌اند. قانونگذاران بدین ترتیب کوشیده‌اند توجه خود را به وضعیت روانی افراد در قالب



تقسیمات از پیش تعیین شده ای نظیر «دیوانگان» و «صغار» که از ضابطه ای عینی و بیرونی برخوردارند نشان دهند. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸) قانون مجازات اسلامی نیز همین رویه را در پیش گرفته و در بخش چهارم از کتاب اول خود ذیل شرایط و موانع مسئولیت کیفری این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. اما در تحلیل رابطه ادراک و اختیار روشن می شود که اختیار، خود ناشی از ادراک است و بدین ترتیب ادراک محور اصلی اهلیت کیفری خواهد بود. اگر مسأله اختیار (اراده آزاد) را موشکافانه بنگریم خواهیم دید اراده به عنوان عاملی درونی از دو طریق محدود می گردد، (عوض محمد، ۱۹۹۴، ص ۴۴۰) یکی ضعف ادراک که مانع می شود فرد بتواند گزینه های متعدد پیش روی خود را به درستی شناسایی کند (نجیب حسنی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۶۶۲) و دیگری فشارهای ناشی از محیط پیرامون (چه فیزیکی باشد، چه روانی؛ چه عامل آن انسانی باشد، چه اوضاع و احوال) (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷) بدین ترتیب اختیار، ابتدائاً ناشی از وجود ادراک و سپس فقدان فشارهای پیرامونی است. با این توضیح روشن می شود که نمی توان ادراک و اختیار را در عرض همدیگر قرار داد چرا که عدم اختیار وقتی ناشی از ضعف یا فقدان قوه ادراک باشد - با توجه به اینکه ادراک به واسطه شأن علی در مرتبه ای بالاتر از اختیار قرار دارد - ذیل بحث از ادراک جای می گیرد و آنچه تحت عنوان فقدان فشارهای پیرامونی باقی می ماند هیچ گاه نمی تواند به عنوان عامل اهلیت کیفری شناخته شود. بلکه تنها شرط ضروری اعمال کیفر خواهد بود. با این استدلال وقتی سخن از اهلیت کیفری است تنها «ادراک» است که باید مورد بررسی قرار گیرد. (میرسعیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲) با توجه به مطالب ذکر شده ادراک مرحله ای از رشد عقلانی است که باعث میشود فردی که دارای ادراک می باشد مسئول اعمال جنایی خود باشد. براساس شرع مقدس اسلام، قانون مدنی و ماده ۱۴۷ این قانون، سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام قمری و برای دختران نه سال تمام قمری است و افرادی که زیر این سنین قرار دارند، فاقد مسئولیت کیفری هستند. هم چنین افراد در صورتی می توانند مورد بازخواست قرار گیرند که توانایی درک و تمییز افعال خوب و بد را داشته باشند. ادراک و تمییز در اصطلاح حقوق کیفری، توانایی فهم ماهیت افعال و درک آثار و تبعات آن و قدرت تشخیص اعمال خوب و بد و مباح است.



منظور از اختیار، داشتن اراده‌ی آزاد است. شخصی که دارای اراده‌ی آزاد باشد، پیش از انجام هر کاری فکر می‌کند نتایج و تبعات خوب یا بد آن را در نظر می‌گیرد و آن‌ها را می‌سنجد، سپس عمل می‌کند. اگر فردی بدون رضایت و با اکراه دست به انجام کاری بزند، مانند این که با تهدید یا بالاتر از آن، با اجبار مادی وی را به ارتکاب جرمی وادار کنند مانند این که دست کسی را بگیرند و روی ماشه‌ی اسلحه فشار دهند که در اثر شلیک گلوله شخص سومی کشته شود. در این موارد شخص مزبور همچون وسیله‌ای در اختیار اجبارکننده قرار گرفته و مسئولیتی نخواهد داشت.

بند دوم: لزوم اثبات عنصر معنوی در جرم در حقوق انگلستان

اهلیت جزایی و ابتدای مسئولیت کیفری بر مواردی از قبیل اختیار و قصد در حقوق انگلستان نیز در قالب عنصر معنوی جرم مطرح شده است و مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل در این قسمت از تحقیق به بررسی موضوع خواهیم پرداخت. در حقوق انگلستان در ابتدای امر در این باره گفته می‌شد که بر اساس اصل تفسیر لفظی، در صورت عدم تصریح قانون موضوعه بر لزوم تحقق عنصر روانی، ضرورتی به اثبات آن نیست اما پس از پرونده‌ی مهم «اسویت علیه پارسل» و با استفاده از اظهارات قاضی «رید» این قاعده مقید شد از این پس، در حقوق انگلیس پذیرفته شد که قانونگذار، اصولاً در تمام جرایمی که محکومیت به آنها مستلزم ننگ اجتماعی است، عنصر روانی را لازم می‌شمارد. اصول پیشنهادی قاضی رید برای مسئولیت کیفری عبارت بود از:

- ۱- هرگاه یک بخش قانون در خصوص عنصر روانی ساکت باشد، در راستای مراد قانونگذار، فرض بر این است که عبارت عنصر روانی را باید در مقرر مقرر دانست.
- ۲- اصل عام این است که هرگاه یک مقرر ی کیفری مستعد دو تفسیر باشد، تفسیری که مساعدتر به حال متهم است، اختیار می‌شود.



۳- این موضوع که بخش‌های دیگر قانون به صراحت عنصر روانی را مطرح کرده‌اند، به خودی خود دلیل بر آن نیست که گفته شود بخش ساکت، خالق جرم با مسئولیت مطلق است برای احراز مراد قانونگذار باید وفق قانون فراتر رفته، تمام مناسب امر لحاظ گردد.

بنابراین تقریر، مسئولیت بدون احراز عنصر روانی خلاف اصل و محتاج معیار مشخص است. نظر «لرد هوتن» در این خصوص راهگشاست: «ملاک معقول بودن یا نبودن تقریر قانونی عنصر روانی به عنوان جزئی از جرم. بلکه ملاک ضروری بودن یا نبودن آن است. از اشاره ی لرد هوتن به ملاک ضرورت داشتن به جای عقلایی بودن می‌توان فهمید که مهم‌ترین دلیل در خلق مسئولیت کیفری در حقوق انگلستان ضرورت اجتماعی است. پس از پرونده ی اسویت علیه پارسلی، در پرونده ی «شرکت گامون (هنگ کنگ) علیه دادستانی کل تفسیر اخیر لحاظ شد. لرد اسکارمن با این استدلال که «امنیت عمومی» در معرض خطر قرار گرفته است، به مسئولیت مطلق متهمان عقیده داشت. او در رد پژوهش خواهی متهمان و در مقام تأیید این امر که تحمیل مسئولیت مطلق بر متهمان با مقررات مربوط به ساخت و ساز در هنگ کنگ هماهنگ است، اصول زیر را بیان نمود:

۱. این یک قاعده ی حقوقی است که برای آنکه بتوان یک شخص را برای ارتکاب جرمی مسئول دانست تحقق عنصر معنوی الزامی است.
۲. این قاعده به ویژه زمانی بنیان قوی دارد که رفتار ارتكابی در حقیقت جرم باشد.
۳. این قاعده درباره جرایم مصنوعی یا موضوعه نیز جاری است و تنها زمانی می‌توان قاعده ی دیگری را جایگزین نمود که موضوع آشکار و یا مفهوم الزامی اعمال آن مقررات باشد.
۴. این قاعده صرفاً در جایی جایگزین می‌گردد که مقررات موصوف مربوط به موضوعات مهم اجتماعی باشد. (Clarkson, 2005p 142)



بر این اساس باید گفت که در حقوق انگلستان نیز مانند حقوق ایران توجه به عنصر معنوی در تحقق جرم از مسائل بسیار مهم می باشد که در آن فرد که مرتکب یک رفتار می شود می بایست به طور حتم دارای قصد مجرمانه باشد البته در حوزه ی مربوط به بلوغ و اختیار نیز که در قسمت مربوطه مورد اشاره قرار خواهد گرفت حقوق انگلستان موارد بسیار مهمی را پیش بینی نموده است که اماره ی رشد از آن جمله است در واقع باید گفت که هم در حقوق انگلستان و هم در حقوق ایران موضوع مسئولیت کیفری مبتنی بر یک اثبات عنصر روانی وجود دارد لکن نقطه ی افتراق این موضوع در حقوق انگلستان مربوط به مسئولیت مطلق است. در این راستا، مقررات مربوط به جرایم موضوع آلودگی محیط زیست، داروهای خطرناک و اقدام از سوی کارفرما مشمول مسئولیت مطلق دانسته شده است. همچنین امروزه جرم تجاوز جنسی موضوع در بخش پنج قانون جرایم جنسی سال ۲۰۰۵ در زمره ی جرایم با مسئولیت مطلق قرار دارد. این جرم هنگامی محقق می شود که با فرد زیر شانزده سال رابطه ی جنسی برقرار شود؛ وقوع جهل یا اشتباه نسبت به سن صغیر و یا حتی رضایت وی بر اساس ادعای خودش، مسئولیت متجاوز را منتفی نمی کند. (Elliot; Quinn, 2000p 28) موافقان اعمال مسئولیت مطلق در خصوص این قسم از جرایم بر این باورند که معاف کردن مقام اثبات از اثبات عنصر روانی، تسهیل امر رسیدگی برای او و دیگر متکفلان اعمال قانون را موجب می شود. اثبات عنصر روانی امری پیچیده، زمان بر و هزینه بردار است. افزون بر این، اعمال حقوق جزا در این عرصه ها اثر بازدارنده بالایی داشته و بسیاری از افراد را از ارتکاب چنین رفتارهایی باز می دارد. (Elliot; Quinn, p30).

بخش چهارم: حکم قانون و امر قانونی در حقوق ایران و انگلستان

یکی از اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده و جرم محسوب نمی گردد، مربوط است به وقتی که «ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد. حکم قانونی و امر آمر قانونی همانطور که رفتار ضابطین دادگستری را در مورد جلب اشخاص با وجود حکم جلب و ورود به منزل اشخاص با اخذ نمایندگی صادره از طرف مقامات قضائی (دادستان و باز پرس)



موجه ، قانونی و مشروع می سازد؛ به همان نحو فعل مأمور اجرای حکم اعدام ، یا عملیات سربازی را که در میدان جنگ موجب تخریب و کشته شدن و مجروح شدن دشمن می گردد؛ موجه ، قانونی و مشروع می سازد.

بند اول: حکم قانون و امر آمر قانونی در حقوق ایران

در مواردی این خود قانون است که کارمندان دولت و یامقامات قضائی و صاحبان حرف را موظف و مکلف به انجام اعمالی می کند که در شرایط عادی جرم است و لذا انجام تکلیف قانونی نمی تواند جرم تلقی شود . مثلاً قانون از «جلاد» می خواهد و او را موظف می کند تا نسبت به سلب حیات از قتل محکوم معینی اقدام نماید. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۸۲) احترام و حفظ زندگی خصوصی افراد و همچنین اسرار شغلی مستلزم آن است که افشاء سرّ از طرف بعضی افراد به جهت شغل یا حرفه خاصی که دارند جرم شناخته شود. در این خصوص ماده ۶۴۸ ق . ت . مقرر می دارد:

اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی ، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند. وقتی به استثنای مذکور در این ماده قانونی توجه شود می بینیم که در مواردی قانون ، خود اشخاصی را که به مناسبت شغل و حرفه مربوطه ملزم به راز داری هستند مکلف به افشای اسرار مردم می نماید. به طور مثال ، ماده ۳ قانون بیماریهای آمیزشی (مصوب سال ۱۳۲۰) مقرر می دارد: درمان (از جمله بیماریهای آمیزشی) نزد هر پزشکی که پروانه پزشکی در ایران دارد آزاد است . اما در صورتی که بیمار در دوره واگیری بیماری از موعدی که پزشک معالج برای درمان او معین نموده تا ده روز از حضور نزد پزشک یا بنگاه دولتی غیبت کرد و پزشک دیگری تحت درمان بودن بیمار را به بنگاه یا پزشک اول خبر نداد نخستین پزشک درمان کننده مکلف است مراتب را با قید محرمانه به اطلاع بهداری برساند . پزشک معالج مکلف



است در موقع مشاهده ی یکی از بیماریهای واگیردار نامبرده در زیر فوراً به بهداری محل اطلاع دهد. ۱- وبا و اسهال های وبائی شکل ۲- طاعون

حکم ماده مزبور کلی است و مقید به اطلاع محرمانه و یا بدون ذکر نام هم نشده است . همانطور که اشاره شد پزشکی که موارد ذکر شده در ماده فوق الذکر را افشا می کند مرتکب جرم نشده است بلکه مکلف به افشا شده است که اگر حکم قانون را اجرا نکند مرتکب جرم شده است. به طور کلی می توان اشخاصی را که مشمول عوامل عینی موانع مسئولیت کیفری می شوند به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: شامل اشخاصی است که حکم قانون مستقیماً آنان را مورد خطاب قرار داده و رفتار شان بدون نیاز به دریافت دستور از مقامات دیگری که در سلسله مراتب اداری قرار گرفته اند ، جرم محسوب نمی شود.

دسته دوم: در موارد زیر حکم قانون به تنهایی عامل موجه تلقی می گردد:

الف) وقتی حکم قانون مستقیماً جهت افراد بخصوصی صادر شده باشد . مثل پزشک معالجه که در اجرای ماده ۱۹ قانون بیماریهای آمیزشی (مصوب سال ۱۳۲۰) یکی از بیماریهای واگیردار مذکور در قانون را به بهداری محل اطلاع می دهد ، همچنین ماما یا پزشکی که در حین ولادت طفل حضور و در زایمان دخالت داشته است و در اجرای ماده ۱۹ قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ (متضمن اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۸۱۰) مبادرت به انجام تکلیف خود در صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل (در مهلت مقرر ۱۵ روزه اعلام ولادت) نماید . اشخاص مزبور که مستقیماً موضوع حکم قانون بوده و به تکلیف قانونی خود عمل کرده اند ، هیچکدام مشمول جرم افشای اسرار موضوع ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات جایگزین آن گردیده نمی باشند.



ب) وقتی شخص مأمور به اجرای حکم قانون، خود در بالاترین حد سلسله مراتب اداری قرار گرفته باشد. مانند بازپرسی که ضمن رسیدگی، به جای صدور حکم جلب شخصا مبادرت به بازداشت متهم نماید.

ج) گروهی از اشخاص مشمول عوامل موجهه جرم کسانی هستند که حکم قانون آنان را مستقیماً مورد خطاب قرار نداده است، لیکن با دریافت دستور قانونی از مقام صلاحیتدار، رفتارشان با وجود امر آمر قانونی و حکم قانون جرم محسوب نمی‌شود. در این صورت وجود امر آمر قانونی از شرایط اساسی برای احراز عوامل موجهه جرم خواهد بود.

بند دوم: امر آمر قانونی

بدیهی است امر آمر قانونی یا امر مقام صلاحیت دار در خصوص کارکنان و یا ماموران حکومتی (دولتی) اعمال می‌شود. بنابراین افرادی می‌توانند به امر مقام صلاحیت دار یا امر آمر قانونی برای براءت استناد کنند که از کارکنان دولتی باشند نه اینکه رابطه غیر حکومتی داشته باشند مثل شوهر نسبت به همسرش، پدر نسبت به فرزندانش، کارفرما نسبت به کارگرش از این رابطه ها نمی‌توان برای براءت از جرم ارتكابی استناد جست. ماده ی ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات در این مورد مقرر می‌دارد: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» بنا بر این باید گفت: امر قانونی صاحب مقام رسمی است که صلاحیت صدور امر و نهی را دارد. اگر بر خلاف قانون دستوری بدهد و مسئولیت دستور خود را به صورت کتبی بپذیرد مأمور باید اطاعت کند (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۶۱) برای آنکه امر قانونی مقام ذی صلاح مانع مجازات مرتکب شود، تحقق چهار شرط ضروری است:

۱- ماهیت امری بودن دستور نه توصیه و مشورت؛



۲- وجود آمر قانونی (به شرح بالا)؛

۳- امر خلاف شرع نباشد؛

۴- شخص مخاطب، مامور قانونی و زیر نظر آمر باشد، یعنی آمر و مامور هر دو باید از مقامات دولتی، اعم از لشگری و کشوری باشند. (شمس، ناتری، ۱۳۹۲، صص ۴۱۷-۴۱۶)

از نظری دکتر اردبیلی وجود امر صادر شده در حیظه صلاحیت آمر، تکلیف مامور به انجام دستور به موجب قانون و صدور دستور در شکل مقرر قانونی نیز از شروط سلب مسئولیت مامور در اجرای امر آمر قانونی است. (اردبیلی، پیشین، ص ۲۶۵) اگر آمر آمر قانونی، غیر قانونی باشد و در این رابطه جرمی واقع شود، آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند، لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد مجازات نمی شود.

حقوق موضوعه ایران در قسمت اخیر ماده ۱۵۹ ق. م. ا. در این زمینه مقرر می دارد:

«... ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد»

بنابراین کیفرهای تعزیری و قصاص تنها در مورد مأموری که امر ظاهراً قانونی را اجرا نموده منتفی است و دیه و مسؤولیت مدنی او به قوت خود باقی خواهد ماند. بدین ترتیب قسمت اول ماده ۱۵۹ ق. م. ا. نیز در مقام تعیین کیفر قانونی برای آمر غیر قانونی و مأموری است که از طریق اجرای امر غیر قانونی مرتکب جرم گردیده است. قسمت اخیر ماده مزبور در مقام تعیین دیه و یا ضمان مالی بجای کیفر تعزیری و قصاص برای مأموری است که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی بوده به مورد اجرا گذارده است. مشکل اساسی در این جا تشخیص صحت و سقم ادعای مأمور نسبت به اشتباه قابل قبول در قانونی بودن امر آمر قانونی است. مقتضی است در این مورد بین غیر قانونی بودن بدیهی و مسلم امر از یک طرف و ظاهر قانونی بودن امر غیر قانونی از طرف دیگر قائل به تمیز و تکفیک گردید. به نظر



می‌رسد که راه حل مناسب در بررسی موقعیت مأمور از جهت شغلی، سلسله مراتب اداری، سطح معلومات و آشنائی وی به وظایف مربوط باشد. با احراز حسن نیت مأمور، اشتباه وی در تشخیص قلمرو وظایف قانونی، ممکن است از موارد اشتباه در حکم قانون باشد که گاهی موجب نفی عمد و قصد در جرائم عمدی و در نتیجه سقوط مجازات می‌گردد. زیرا در جرائم مستلزم حد، چون شرب خمر و زنا اشتباه در حکم موجب سقوط حد می‌گردد و در قتل نیز اشتباه در استحقاق شرعی مقتول به قتل و مهدور الدم بودن مقتول موجب سقوط قصاص و تبدیل آن به دیه می‌گردد.

بند سوم: امر آمر قانونی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان موضوع امر آمر قانونی یکی از موانع مسئولیت کیفری می‌باشد و شخص مأمور در صورت تبعیت از امر آمر قانونی تحت سه نظریه قرار می‌گیرد.

الف) امر آمر قانونی بر مبنای نظریه ی اطاعت محض

یعنی آمر هر دستوری صادر کرد مأمور باید اطاعت کند و حق بررسی و اظهار نظر درباره مورد دستور را ندارد. دستور حتی غیر قانونی در هر وضعیتی باید اجرا شود. اشکال این نظریه آن است که در این وضعیت مأموران از خود اختیاری ندارند. این نظریه با وجود آنکه تا حدود زیادی می‌تواند به حفظ نظم در یک سازمان کمک نماید اما با توجه از این جهت که مأمور در برابر اراده ی آمر هیچ گونه اختیاری از خود ندارد قابل انتقاد می‌باشد و در حقوق انگلستان چندان مورد توجه قرار نگرفته است چرا که در حقوق انگلستان با وجود نظریات مسئولیت نیابتی و لزوم مشخص نمودن عنصر روانی در جرایم غیر مطلق امکان پذیرش این نظر وجد ندارد. (گلی، ۱۳۹۰، ص ۶۸)

ب) نظریه مسئولیت مطلق در قوانین کیفری

مأمور در این نظریه دارای مسئولیت مطلق است و هر دستوری که از مافوق صادر شد باید قانونی بودن آن را بررسی کند و در صورتی که مغایر و مخالف قانون باشد از اطاعت امر غیر



قانونی خودداری کند. این نظریه به علت سست شدن نظام سلسله مراتب اداری، مشکلات زیادی را در اجرا ایجاد خواهد کرد که باعث قفل شدن جریان امور خواهد شد. این نظریه در حقوق انگلستان با این که می‌تواند در جهت پایبندی ماموران به مفاد قانون دارای کارایی ویژه‌ای باشد لکن در بسیاری از موارد فاقد کارایی کافی بوده و به خصوص در مورد نیروهای مسلح که می‌بایست در میدان نبرد فرمان‌پذیری بیشتری داشته باشند. (همان)

ج) نظریه رعایت ضوابط قانونی

براساس این نظریه رعایت مفاد قانون برای شخصی که به قوانین عمل می‌نماید بسیار دارای اهمیت می‌باشد و مامور باید به ظاهر دستور نگاه کند، اگر خلاف قانون بود به مقام مافوق تذکر دهد و در صورت اصرار آمر، موظف به اجرای دستور است و در این حالت مسئولیت با آمر خواهد بود. رویه مورد پذیرش در محاکم انگلستان به صورت معمول رویه‌ی سوم است البته در برخی دعاوی مطرح دادگاه‌های این کشور رویه‌ی اول نیز در گذشته مورد توجه بوده است لکن امروزه توجه بیشتر دادگاه‌های انگلستان معطوف به نظر سوم است. (همان)

د) لزوم ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم

ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم در حقوق ایران: دومین مورد از مصادیق عوامل موجهه جرم، ارتکاب عملی است که برای اجرای قانون اهم لازم باشد. بندب ماده ۱۵۸ ق. م. ا. ، در این مورد ارتکاب عملی را که برای آنها مجازات مقرر گردیده ولی جرم محسوب نمی‌شود صراحتاً اعلام و مقرر میدارد: «در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد» بنابراین هر گاه انجام وظایف شخصی مستلزم به کار بردن و انجام عملیات و اقداماتی باشد که در نتیجه‌ی آنها به منافع غیر، لطمه وارد شود؛ در شرایطی که اعمال مزبور در وضع عادی جرم تلقی می‌شود، ارتکاب همان اعمال در اجرای قانون اهم، نسبت به مرتکب، جرم تلقی نمی‌شود. مثالهای زیر مصادیقی از لزوم ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم است

۱- تخریب اموال، دیوار، درب، پنجره و..... برای نجات دیگری.



۲- محبوس کردن کسی به منظور نجات دیگری

۳- نقض مقررات راهنمایی و رانندگی برای نجات دیگری

برای تشخیص قانون اهم از ضوابطی که در زیر به آنها اشاره خواهد شد می توان استفاده نمود:

اول: اولویت فانگذار با توجه به ترتیب تقسیمات انجام شده در قانون مجازات اسلامی که به ترتیب مذکور در مواد ۱۴ تا ۱۸ ق. م. ا. که به شرح زیر است:

۱- حدود

۲- قصاص

۳- دیات

۴- تعزیرات

دوم: اولویت ارزشهای مورد نظر مقنن که با توجه به اهمیت این ارزشها مجازاتها شدیدتر شده است.

بطور مثال ارزشهای مورد نظر حفظ جان و نفس، حفظ نسل، حفظ اموال، حفظ آزادی که برای مجرمین کیفرهای قتل، حبس، شلاق، جزای نقدی و تعیین شده است.

ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم در حقوق انگلستان: در حقوق انگلستان در حوزه ی مربوط به جرایم سه نوع جرم وجود دارد:

الف) جرائمی که فقط براساس کیفرخواست قابل تعقیب است یعنی شدیدترین موارد نقض مقررات جزا که قابل محاکمه به وسیله ی قاضی و هیئت منصفه در دادگاه جزا است و این جرائم که قابل محاکمه بر اساس کیفرخواست است شامل قتل عمدی، قتل غیر عمدی، تجاوز به عنف و سرقت مسلحانه می شود.



ب) جرائم قابل محاکمه به هر صورت دو وجهی جرائمی هستند که در دادگاه جزا براساس کیفرخواست و یا در دادگاه صلح به صورت اختصاری قابل محاکمه هستند.

ج) جرائمی که به صورت اختصاری که در دادگاه صلح رسیدگی شده و بیشتر شامل خلاف راهنمایی و رانندگی خسارات جزایی که ارزش مال مورد نظر بیش از ۲۰۰۰۰ پوند نباشد جرمی اختصاری است در غیر این صورت جرم قابل محاکمه به صورت اختصاری یا جرم قابل کیفرخواست محسوب خواهد شد. (مهر، ۱۳۹۲، ص ۲۳)

بر اساس این طبقه بندی از جرایم در حقوق انگلستان باید گفت که در حقوق انگلستان جرایم بر مبنای دادگاهی که به آن رسیدگی می کند طبقه بندی می شوند و آیین دادرسی نقش بسیار موثری در طبقه بندی جرایم دارد در واقع جرایمی که بر اساس کیفرخواست و با حضور هیئت منصفه بررسی می شوند دارای اهمیت بیشتری می باشند و نقض قوانین مربوط به اینگونه جرایم بسیار مهم تر می باشد و قانون اهم در این گونه موارد قانونی است که مجازات آن بیشتر بوده و اهمیت مرجع رسیدگی کننده به آن بیشتر است. در حقوق کیفری انگلستان قانونی مهم تر است که نظم اجتماعی را حفظ نماید و بنابراین نوعی هماهنگی میان جرایم و قوانین مشاهده می شود. این امر بیشتر نشئت گرفته از ماهیت عرفی حقوق انگلستان می باشد که با ماهیت حقوق ایران که یک نوع از حقوق مبتنی بر مسائل شرعی است متفاوت است در واقع در قوانین ایران رعایت قوانین شرعی بر نظم اجتماعی مقدم است در حالی که در حقوق انگلستان چنین موضوعی فاقد جایگاه است.

بخش پنجم: دفاع مشروع و آنچه در حکم آن است

بند اول: دفاع مشروع در حقوق ایران

دفاع از جان، آزادی، عرض و ناموس و مال از حقوق مسلم هر فرد است و در اکثر کشورها این حق به رسمیت شناخته شده است از جمله در ایران و انگلستان، دفاع مشروع در حقوق ایران در ق. م. ا. پیش بینی شده است. قانون مجازات اسلامی، رفتاری را که در شرایط عادی جرم و مستوجب مجازات است، در دفاع مشروع در صورت اجتماع شرایط مطرح شده



جرم نمی شناسد و مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی دفاع کننده را منتفی می داند. نخستین شرط تحقق دفاع مشروع این است که باید در برابر یک حمله فوری و جدی باشد، جان، مال و آبروی یک نفر را مورد لطمه قرار دهد و همچنین راه دیگری برای دفع این حمله وجود نداشته باشد. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ به موضوع دفاع مشروع پرداخته است. ماده ۱۵۶ بیان می دارد: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود: الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.» درباره این ماده، چند مورد مطرح می شود که یکی از این موارد، موضوع تجاوز است. در حقیقت این سوال مطرح می شود که تجاوز باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ تجاوز نسبت به چه مواردی باید صورت گیرد و اینکه دفاع چگونه باشد؟ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی به دفاع فرد از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن اشاره کرده است، نه شخص؛ به همین دلیل باید گفت که این نوع دفاع تنها درباره شخص حقیقی ممکن است. همچنین موضوعی که می توان از آن دفاع کرد، نفس به معنای جان است. در خصوص عرض و ناموس نیز باید گفت که مفهوم این دو واژه، تا حدود بسیاری معادل یکدیگر و به معنای حیثیت است. در خصوص معنای آزادی تن نیز باید گفت که کسی نمی تواند دیگری را بازداشت کند همچنین "تن خود یا دیگری" نیز به این معناست که می توان از خود و نیز از دیگری در برابر تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع دفاع کرد.

بند دوم: لزوم وجود تجاوز یا خطر

وجود یا نزدیک بودن وقوع تجاوز یا خطر برای تحقق دفاع مشروع ضروری است به عبارت دیگر اگر تجاوز یا خطر وجود نداشته باشد یا وقوع آن حتمی و نزدیک نباشد دفاع مشروع



محقق نمی‌شود مثلاً اگر کسی دیگری را تهدید کند و از او اقدام یا ترک فعلی را که بطور عادی و معمول جرم است بخواهد، دفاع مشروع قابل استناد نیست. یکی دیگر از مواردی که در دفاع مشروع باید به آن اشاره کرد، اگر قانونگذار می‌گوید (در صورت اجتماع شرایط زیر) به این معناست که اگر تمام شرایطی که قانونگذار می‌گوید، فراهم باشد، این رفتار جرم نخواهد بود. نخستین شرطی که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی جدید به آن اشاره شده، این است که رفتار ارتكابی باید برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد یعنی کاری که در حال انجام آن برای دفع خطر هستیم، باید حتمی و قطعی بوده باشد و اینکه ضرورتاً باید صورت می‌گرفت. به این معنا که بدون انجام آن امکان دفع تجاوز وجود نداشت. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸)

بند سوم: لزوم مستند بودن دفاع به قراین معقول یا خوف عقلایی

دفاع مشروع باید مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. این مورد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ وجود نداشت و قانونگذار در قانون مجازات ۱۳۹۲، آن را اضافه کرده است. تشخیص اینکه دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد، تا حدودی دشوار است. طبق بند "ب" ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، خطر و تجاوز باید به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. این مورد در قانون مجازات اسلامی گذشته درباره دفاع مشروع وجود نداشت یا لاقلاً به این صراحت نبود که کسی، خود دیگری را تحریک کرده باشد. همچنین بند "ت" ماده ۱۵۶ می‌گوید که توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود. در خصوص این بند نیز باید گفت که این موضوع که در قانون سابق نیز وجود داشت، به این معنا است که دفاع در اسرع وقت امکان‌پذیر نباشد و اگر بتوان به قوای دولتی بدون فوت وقت تمسک جست، باید از کمک همان افراد استفاده کرد. (همان، ص ۱۱۹) تبصره ۳ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز عنوان می‌کند: در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است، جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در توضیح این تبصره



نیز باید گفت که ساقط شدن دیه در موارد دفاع مشروع قابل قبول است، اگر چه به طور معمول، وقتی که عملی جرم نباشد، دیه نیز به آن تعلق نمی‌گیرد. همچنین تبصره یک ماده ۱۵۶ می‌گوید: دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی برعهده دفاع‌کننده باشد، یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید، یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد. در این تبصره قانونگذار همه شرایط را با یکدیگر جمع کرده است که یک نوآوری قابل تامل محسوب می‌شود.

بند چهارم: دفاع مشروع در حقوق انگلستان

نظریات مطرح در حقوق انگلستان پیرامون موضوع دفاع مشروع به شرح زیر است:

عده‌ای از قضات در دادگاهها معتقدند که چون حیات حق طبیعی است هرگاه این حق به خطر افتاد دفاع هم در مقابل آن طبیعی خواهد بود لذا دفاع از حقوق طبیعی افراد است این نظر از این حیث قابل دفاع نخواهد بود که می‌بینیم در مقررات فعلی دفاع در مقابل حقوق غیر طبیعی نیز اغلب جایز شمرده شده در حالیکه اگر پیرو نظر طبیعی بودن دفاع باشیم میبایست آنرا فقط در مقابل حقوق طبیعی جایز بدانیم. (همان، ص ۱۸) عده‌ای نیز با استدلال ((رعایت حق و نفع جامعه)) به توجیه مشروعیت دفاع پرداخته‌اند؛ اینان معتقدند که دفاع نه تنها منافع شخص مورد تعرض را مینماید بلکه این عمل به نفع جامعه نیز خواهد بود؛ چه در مواردی که جامعه قادر نیست دامنه اجرای عدالت خود را در همه جا و در همه حال گسترش دهد افراد خود جبران این نقیضه را خواهند نمود در اینجا است که مسئله این که دفاع نه تنها حق بلکه وظیفه افراد نیز می‌باشد پیش آمده است. عده‌ای دیگر با قبول این مطلب که در دفاع مشروع در واقع یک نوع اجبار معنوی پیش می‌آید بحث ((اختلال در اراده و اجبار معنوی)) را در جهت اثبات فلسفه مشروعیت دفاع به میان می‌کشند؛ قبول این فرض موجب می‌شود که اشخاصی که دارای تسلط کامل بر اراده خویش هستند و یا کسانی که برای حفظ اموال خود اقدام به دفاع می‌نمایند عملشان را از دایره مشروعیت خارج نمائیم همینطور کسانی که در مقام دفاع از شخص ثالثی



مرتکب جرم می‌شوند عملشان را مشروع ندانسته و بالاخره دفاع در مقابل تعرضات قانونی و عادلانه مأمورین را نیز جایز ندانیم. (همان، ص ۲۲) در مجموع باید گفت که در حقوق انگلستان حق دفاع مشروع با شرایط تقریباً مشابه با حقوق ایران در دادگاهها ی این کشور پذیرفته شده است لکن در مورد فلسفه ی به وجود آمدن این حق در حقوق انگلستان مباحث بسیار زیادی شده است که با توجه به ماهیت عرفی حقوق انگلستان و همچنین برگرفته بودن حقوق ایران از فقه اسلامی این تفاوت به نحو بارزی در توجیه مبانی حق دفاع مشروع مشاهده می شود و می بایست مورد توجه قرار گیرد.

بخش ششم: حالت ضرورت

بند اول: حالت ضرورت در حقوق ایران

قانگذار ارتکاب رفتاری را که هنگام بروز خطر شدید برای حفظ نفس یا مال فردی مرتکب می شود که در حالت عادی جرم و قابل مجازات است تحت شرایطی غیر قابل مجازات دانسته است. بطور مثال اگر دو نفر که در حال غرق شدن هستند به تنه درختی پناه ببرند تا از غرق شدن نجات یابند و به علت غیرممکن بودن نجات دو نفر به کمک تنه درخت یکی از آنان دیگری را به دریا پرتاب کند تا از مرگ نجات یابد با وجود حالت ضرورت عمل نجات یافته جرم تلقی نمی شود.

حقوق اسلام قواعد ضرورت و اضطرار را پذیرفته است و قاعده:

«الضرورات تبيح المحظورات» از قواعد مسلم فقه اسلام است. به طوری که یکی از فقهای امامیه در مورد اهمیت قاعده مزبور یا یکی دانستن حالت ضرورت و اضطرار نویسد:

«هرحرامی جز قتل مسلمان بر مضطر حلال است». (همان ص ۱۱۲)

در ماده ۱۵۲ ق.م.ا. حالت ضرورت را صراحتاً پیش بینی کرده و مقرر می دارد:



هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و رفتار ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد. گرچه ماده 152 قانون اخیرالذکر تنها عبارت «قابل مجازات نیست» را به کار برده است، مع هذا از فلسفه وجودی این تأسیس حقوقی می‌توان استنباط نمود که قانونگذار ارتكاب رفتاری را که در حالت عادی جرم است در حالت ضرورت جرم نشناخته است. موانع عینی مسئولیت کیفری موجب زائل شدن عنصر قانونی جرم می‌گردند. یعنی عملی که در شرایط عادی جرم تلقی می‌شود طبق قانون و تحت شرایطی وصف مجرمانه را از دست داده و دیگر مرتکب قابل تعقیب و مجازات نیست.

بند دوم: شرایط تحقق حالت ضرورت

الف) اهمیت و فعلیت خطر مورد اجتناب

ماده ۱۵۲ ق.م.ا صراحتاً به ارتكاب جرم در هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری اشاره نموده و مرتکب را غیر قابل مجازات دانسته است. نهایت آنکه این خطر شدید باید موجود و قریب الوقوع باشد. بنابراین عکس العمل در مقابل خطری که قبلاً بوده و یا خطری که احتمال وجود آن در آینده برود موجب تحقق حالت ضرورت نخواهد شد. آنچه در معرض خطر قرار می‌گیرد، ممکن است نفس یا مال خود شخص یا دیگری باشد. بدین ترتیب کسی که برای جلوگیری از خطری که برای نفس یا مالش بدلیل آتش سوزی، طوفان، سیل، زلزله یا بیماری بوجود آمده است مرتکب رفتاری شود که جرم است مستوجب مجازات نیست.

ب) ضرورت ارتكاب جرم برای حفاظت جان و مال



اساس حالت ضرورت را اقدام برای حفاظت از جان یا مال خود و دیگری تشکیل می‌دهد. چنانچه اقدام برای حفاظت غیر از جان و مال خود و دیگری باشد حالت ضرورت محقق نشده است. در صورتی که دفع خطر بدون ارتکاب جرم در حالت ضرورت امکان داشته باشد و یا از طریق دیگری بتوان از آثار خطر جلوگیری کرد فرد مرتکب جرم معاف از مجازات نمی‌شود و حالت ضرورت قابل استناد نمی‌باشد. بدین ترتیب چنانچه کسی خطری را مثل آتش سوزی عمداً ایجاد نماید یا برای حفظ چیزی غیر از جان و مال خود و دیگری مرتکب رفتاری شود که جرم محسوب می‌شود «حالت ضرورت» نبوده و موجب معافیت از مجازات مرتکب نخواهد بود.

ج) تناسب عمل ارتكابی با خطر موجود و عدم دخالت مرتکب در ایجاد خطر

بطور منطقی باید میزان خطر مورد نظر حالت ضرورت بیش از خطر ناشی از فعل ارتكابی بوده و یا حداقل خسارت احتمالی و زیان وارده شده مساوی هم باشند. بروز خطر شدید در حالت ضرورت موضوع ماده ۱۵۲ قانون مزبور باید ناشی از عوامل خارجی چون آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری باشد، نه مواردی که فرد احتیاطات لازم را به عمل نیاورده و خود باعث بوجود آمدن خطر شده باشد.

بند سوم: نتایج حاصل از تحقق حالت ضرورت

حالت ضرورت از عوامل عینی موانع مسئولیت کیفری است. بنابراین حالت ضرورت موجب زائل شدن وصف مجرمانه از جرم گردیده و عمل جرم تلقی نمی‌شود. طرح دعوای عمومی منتفی و ضرر و زیان ناشی از جرم به عنوان مسئولیت مدنی مردود است. مع ذلك جبران خسارت احتمالی زیان دیده بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب امکان پذیر است. البته باید به این نکته توجه داشت که ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در تبصره ی ذیل ماده کسانی را که براساس قانون موظف به دفع خطر میباشند را مکلف نموده است که نسبت به دفع خطر



اقدامات لازم را انجام دهند و نمی‌توانند به بهانه‌ی حالت ضرورت از انجام وظایفی که به موجب قانون به عهده دارند امتناع ورزند.

بند چهارم: حالت ضرورت در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان حالت ضرورت به عنوان یکی از اقسام دفاع وجود دارد و افراد می‌توانند با حضور در دادگاه آن را مورد استناد قرار دهند و این بدان معنی است که ارتکاب جرم از طرف متهم به منظور جلوگیری از یک جرم شدیدتر یا یک وضعیت شدیدتر صورت گرفته است. این دفاع معمولاً در وضعیت مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد همچون مواردی که در ماده ۳ حقوق کیفری ۱۹۶۷ مورد اشاره قرار گرفته است که به موجب آن در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم یا انجام یک دستگیری می‌توان در حد معقول از زور استفاده نمود.

به عنوان نمونه در پرونده‌ی *buckoek vs GLC(1971)* عبور راننده‌ی آتششانی از چراغ قرمز به منظور رسیدن به یک وضعیت آتش سوزی خطرناک از باب حالت ضرورت غیر قابل مجازات تشخیص داده شده است با این حال این دفاع در پرونده‌ی قتل عمد به احتمال بسیار قابل استفاده نخواهد بود زیرا کشتن دیگری برای زنده نگه داشتن خود یا ثالث ترجیح بلامرجح است (مهرا، پیشین، ص ۲۴۱) اساساً باید گفت که برای مسموع بودن دفاع اضطرار در حقوق انگلیس، وجود تناسب بین جرم ارتكابی و ضروری که در صورت عدم ارتكاب جرم حاصل می‌شود ضروری است. کسی نمی‌تواند برای حفظ یک مال کم ارزش متعلق به خود موجب از بین رفتن مال گران قیمت دیگری شود. به همین دلیل است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا اضطرار مجوز قتل عمد نمی‌باشد، زیرا تناسب مورد نظر هیچ‌گاه به وجود نمی‌آید؛ یعنی بالاترین خطری که ممکن است متوجه کسی گردد خطر سلب حیات وی است و در چنین حالتی نیز وی نباید با ترجیح حیات خود بر حیات دیگری، وی را بکشد از همین رو در انگلستان در دعوای «دادلی وستونز» در سال ۱۸۸۴ دو متهم دعوی که پس از گم شدن در دریا و تمام شدن آذوقه‌ی خود نسبت به کشتن و خوردن گوشت پسر بچه‌ای که کارگر کشتی آن‌ها بود اقدام کرده بودند، محکوم به مجازات قتل عمد شدند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳،



ص ۲۵۲) در دعوی «دولت آمریکا علیه هومز» نیز یک کشتی آمریکایی که از بندر لیورپول در انگلستان به سوی بندر فیلادلفیا در آمریکا در حرکت بود در شرف غرق شدن قرار گرفت. خدمه و ۴۲ مسافر کشتی مجبور به استفاده از قایق نجاتی شدند که به دلیل سوراخ بودن تاب تحمل همه آن‌ها را نداشت. بالاخره پس از گذشت بیست و چهار ساعت خدمه‌ی کشتی تصمیم گرفتند تعدادی از مسافران را به دریا پرتاب کنند تا بقیه بتوانند نجات پیدا کنند. آنان زنان، کودکان، مردان متأهل و خدمه را از پرتاب شدن در دریا معاف کردند و نهایتاً چهارده مرد مجرد به داخل دریا انداخته شدند و بقیه نجات یافتند. دادگاه یکی از خدمه که این کار را انجام داده بود، به ارتکاب قتل عمد محکوم کرد. البته لازم به ذکر است که در هر دو دعوی فوق‌الاشعار با توجه به وجود کیفیات مخففه و مخصوصاً اثبات این که در صورت عدم انجام این کارها همه افراد از بین می‌رفتند، تخفیف قابل ملاحظه‌ای در مجازات متهمان داده شد. (پیشین ص ۲۵۲)

بخش هفتم: جنون

جنون را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد؛ جنون موقت و جنون دائمی. تفاوت اصلی این دو نوع جنون از لحاظ مدت زمانی است که فرد دارای اختلال روانی میشود، اما در هر دو نوع، تا زمانی که وی دارای این اختلال باشد مسئولیتی ندارد و این امر وجه مشترک آنها تلقی میشود. افزون بر این، اشخاص دارای اختلال روانی از لحاظ میزان اختلال روانی نیز قابل تفکیک هستند؛ برخی از آنها دارای اختلال روانی تام و بعضی دیگر مبتلا به اختلال روانی نسبی اند. در مورد جنون عارض شده پس از ارتکاب جرم در انگلستان نیز جنون متهم پس از ارتکاب جرم قابل بحث است. در این راستا، دومین حالتی که در بند پیشین بیان شد، مد نظر قرار میگیرد. در چنین فرضی، آنچه دارای اهمیت است، دارا بودن وصف جنون به هنگام رسیدگی دادگاه است. در حقیقت، هرگاه درباره قابلیت متهم برای دفاع تردید وجود داشته باشد، قبل از اینکه هرگونه ادله‌ای در خصوص جرم اتهامی استماع گردد، این موضوع باید بررسی شود. در این زمینه باید افزود که ادر فردی قابلیت دفاع نداشته باشد، قادر به درک فرایند محاکمه نیست



و لذا نمیتواند نقش فعالی داشته باشد و پرونده خود را پیش ببرد. توضیح بیشتر آنکه در کشورهایی که دارای نظام حقوقی کامن لا هستند، برای برگزاری محاکمه، متهم باید در اتهام وارده و دفاع از خود دارای عقل و شعور کافی باشد؛ اراکه در غیر اینصورت نمیتواند یاملی به حساب آید که برای آینده خود تصمیم می‌گیرد 54. Fletcher See, 1998,)

بخش هشتم: صغر و مانعیت از مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان

رویکرد قوانین کیفری در برخورد با اطفال بزهکار ممکن است به سه صورت باشد، اماره‌های عدم رشد؛ به اینصورت که تا سن خاصی از روش اماره غیر قابل رد عدم رشد استفاده شود که طفل را فاقد مسئولیت کیفری می‌سازد و اثبات خلاف آن ممکن نیست و درمورد اطفالی که دارای سن بیشتری هستند اماره قابل رد عدم رشد لحاظ شده است که اگر رشد جزایی طفل اثبات گردد دارای مسئولیت کیفری شناخته خواهد شد. رویکرد دیگر این است که در برابر پدیده مجرمانه واکنش‌های اتخاذ شده از لحاظ شدت و نوع بصورت تدریجی باشد بدین شکل که با تعریف مراحل مختلف واکنش‌های متفاوت و متناسب با مراحل تعیین شده اتخاذ گردد. این رویکرد بجای مصونیت بخشیدن به رفتارهای اطفال بزهکار و رها کردن آنها در جامعه به اقدامات تربیتی، اصلاحی و تنبیهی می‌پردازد که به نظر نتیجه مطلوب تر و عادلانه تری را به همراه داشته باشد و آنها را با نتیجه رفتارهای مجرمانه انجام شده روبرو خواهد کرد و باعث افزایش مسئولیت پذیری در آنها خواهد شد. رویکرد دیگری که در حال حاضر نیز در قوانین کیفری مورد توجه قرار دارد تلفیق دو روش قبلی می‌باشد به این ترتیب که اماره غیر قابل رد تا سن خاصی تعیین شده است و از آن سن به بالا روش تدریجی رشد جزایی در نظر گرفته شده است اگر چه تعیین سن مورد نظر یکی از چالش‌های قوانین کیفری می‌باشد اما تعیین سن برای عدم مسئولیت کیفری اطفال به نظر ضروری می‌باشد. از قرن چهاردهم در حقوق انگلستان رویکرد اماره عدم رشد حاکم بود تا اینکه در سالهای اخیر مورد انتقادهای فراوان قرار گرفت و باعث حذف اماره قابل رد عدم رشد ویژه اطفال ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۱۹۹۸ گردید. در حقوق ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که به آنها در قسمت‌های



بعدی اشاره خواهد شد با توجه به نوع جرم، سن و جنسیت مرتکب و واکنش‌های متفاوتی مقرر شده است.

بخش نهم: مستی و مانعیت از مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان

مستی از موانع مسئولیت کیفری است که همانند صغر و جنون، امکان انتساب جرم را به مرتکب زایل می‌سازد. مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

بند اول: مستی و مانعیت از مسئولیت کیفری در حقوق ایران

مستی در برخی موارد مانع مسئولیت کیفری می‌باشد و نمی‌توان هر نوع مستی را در حقوق ایران رافع مسئولیت کیفری تلقی نمود بنا براین این امر بسیار با اهمیت است که مشخص شود چه نوع مستی و با چه شرایطی می‌تواند در حقوق ایران رافع مسئولیت کیفری باشد.

بند دوم: مستی و مانعیت مسئولیت کیفری در حقوق انگلستان

تاریخ نشان می‌دهد که در حقوق انگلستان، جایی برای پذیرش مستی به عنوان توجیهی برای ارتکاب جرم وجود نداشته است. با این وجود مستی می‌تواند از تأیید وجود رکن روانی لازم در ارتکاب جرم جلوگیری کند. اگر چه مستی ارادی نمی‌تواند ارتکاب جرمی مانند قتل را توجیه کند، اما مسأله اصلی این است که آیا ارتکاب جرم با نقشه قبلی انجام شده یا در اثر خشم و عصبانیت و یک قصد ناگهانی می‌باشد. البته در حقوق انگلستان مستی به در برخی موارد می‌تواند به عنوان یک دفاع مطرح شود و آن جایی است که شخص خود را عمداً و برای ارتکاب جرم مست نموده باشد. مستی اختیاری در حقوق انگلستان دفاع تلقی نمی‌شود و



افراد نمی‌توانند بر مبنای این که دچار مستی بوده‌اند از خود دفاع نمایند و برای برائت یا تخفیف جرم نمی‌توان به آن استناد کرد. (مغاضی، ۱۳۴۰، ص ۵)

بخش دهم: ارتکاب جرم در حال خواب در حقوق ایران و انگلستان

بند اول: ارتکاب جرم در حال خواب در حقوق ایران

طبق ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی: هرکس در حال خواب، بی‌هوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بی‌هوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند. از ماده مذکور و تبصره ماده ۲۹۲ ق. م. ا. که بیان می‌کند: هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود. می‌توان ارتکاب جرم در حال خواب را به موارد زیر تقسیم نمود.

۱- شخص علم به این دارد که اگر بخوابد مرتکب جرم می‌شود و عمداً بخوابد و مرتکب جرم شود این شخص بدلیل اینکه با قصد قبلی این کار را انجام داده است مجازات می‌شود.

۲- شخص علم به این ندارد که اگر بخوابد مرتکب جرم می‌شود و یا عمداً نخوابد و در خواب مرتکب جرم شود این شخص مجازات نمی‌شود.

۳- شخص علم به این دارد که اگر بخوابد مرتکب جرم می‌شود و عمداً نخوابد و در خواب مرتکب جرم شود بدلیل اینکه آگاه و متوجه بوده که اقدام او موجب جنایت بر دیگری می‌گردد این شخص مجازات می‌گردد.

طبق بند الف ماده ۲۹۲ جنایت در حال خواب و بی‌هوشی و مانند آنها خطای محض محسوب می‌شود.



بند دوم: ارتکاب جرم در حال خواب در حقوق انگلستان

در مسلوب الارادگی غیر جنون آمیز در حقوق انگلستان به ارتکاب جرم در خواب اشاره شده است. در پرونده براتی (۱۹۶۳) مسلوب الارادگی به عنوان عمل انجام شده به وسیله بازوها بدون هرگونه کنترل مغزی تعریف شد. نظیر تشنج موضعی (گرفتگی)، عمل واکنشی یا تشنج؛ یا عمل انجام شده توسط شخصی که نسبت به آنچه انجام می دهد هوشیار نیست، مثل عمل انجام شده در حالی که از ضربه مغزی رنج می برد یا درحین خواب روی است. (شعبانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸) در ارتکاب جرم در خواب و بی هوشی بدلیل اینکه عمل متهم ارادی نبوده دفاع محسوب می شود.

نتیجه گیری

در تطبیق این دو قانون که یکی نماینده نظام رومی ژرمنی و دیگر نماینده حقوق کامن لا می باشد طبق مطالعات انجام شده به این نتیجه رسیدیم که: در حقوق انگلستان مسئولیت شخص حقیقی نسبت به دیگری نسبت به حقوق ایران بسیار کمتر بوده و اشخاص حقیقی جز در مواردی که دیگری را فریب دهند و یا مسئولیت نگهداری از دیگری را دارا باشند واجد مسئولیت نمی باشند. در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی نیز باید گفت که قواعد حقوق انگلستان در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی مبتنی دو نظریه ی مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم می باشد. حق دفاع در مقابل تجاوزات به جان، آزادی، عرض و ناموس و مال از حقوق طبیعی هر انسان است و لذا وضع مقررات در این زمینه، هم با اصول و مبانی حقوق اسلامی و هم با حقوق اروپایی هماهنگی دارد. دفاع مشروع در حقوق موضوعه ایران در ق. م. ا. پیش بینی شده است. حقوق موضوعه، ارتکاب اعمالی را که در شرایط عادی جرم و مستوجب مجازات است، در مقام دفاع جرم نمی شناسد و مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی دفاع کننده را منتفی می داند. در حقوق انگلستان حق دفاع مشروع با شرایط تقریباً مشابه با حقوق ایران در دادگاههای این کشور پذیرفته شده است لکن در مورد فلسفه ی به وجود آمدن این حق در حقوق انگلستان مباحث بسیار زیادی شده است که با توجه به ماهیت عرفی حقوق



انگلستان و همچنین برگرفته بودن حقوق ایران از فقه اسلامی این تفاوت به نحو بارزی در توجیه مبانی حق دفاع مشروع مشاهده می‌شود و می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در حقوق کیفری ایران، مفهوم جنون به نوعی در ماده ۱۴۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تبیین شده است. در این ماده آمده است: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دارای اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد قوه اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود...» در حقوق کیفری انگلستان، جنون که هم خانواده با دفاع بی ارادگی تلقی شده است و ارتباط کمی با مفهوم دیوانگی یا هر تعریف پزشکی دیگری از جنون دارد. به تعبیر بهتر، جنون تعریف حقوقی خاصی دارد و در مقایسه با مفهوم پزشکی آن گستره‌ی وسیع‌تری را دربر می‌گیرد. و شامل خواب و صرع نیز می‌شود در حالی که این موارد در حوزه‌ی جنون در مفهوم پزشکی آن جنون تلقی نمی‌شود و نمی‌توان آن را جنون تلقی نمود. دفاع جنون صرفاً در دادگاه جنایی اعمال می‌شود. از قرن چهاردهم در حقوق انگلستان رویکرد اماره عدم رشد حاکم بود تا اینکه در سالهای اخیر مورد انتقادهای فراوان قرار گرفت و باعث حذف اماره قابل رد عدم رشد ویژه اطفال ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۱۹۹۸ گردید. در حقوق ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با توجه به نوع جرم، سن و جنسیت مرتکب و اکنش‌های متفاوتی مقرر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲) حقوق جزای عمومی، جلد نخست، ویراست دوم، انتشارات میزان، تهران
- استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران
- جامه خانه، علی (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی مستی در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران مرکز
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸) مبسوط در ترمینولوژی، گنج دانش، تهران.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴)، جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق انگلستان و ایران، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ی ۶، شماره ی ۲
- سلیمی، صادق (۱۳۷۶)، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین المللی و حقوق کیفری ایران، انتشارات خیام، تهران
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۸)، حقوق جزای عمومی، چاپ نهم، انتشارات ژوبین، تهران.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۲) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر میزان، تهران
- غلامی، علی (۱۳۹۲)، مانع یا رافع بودن صغر، جنون و عوامل مشابه آن نسبت به مسئولیت کیفری، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷



- قلندری، مهناز (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی تأثیر اضطراب در مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۶) حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، تهران
- گلی، شهین (۱۳۹۰) مطالعه تطبیقی امر آمر قانونی در حقوق کیفری ایران و انگلیس، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان البرز
- مغاضی، محمد رضا (۱۳۴۰) مسئولیت کیفری قتل در حالت مستی در حقوق انگلستان، مجله‌ی کانون و کلا، تهران، شماره ۷۸
- مهران، نسرین (۱۳۸۳) ترمیمی شدن عدالت کیفری در انگلستان و ویلز، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران
- مهران، نسرین (۱۳۹۲) دانشنامه‌ی حقوقی انگلستان، انتشارات میزان، تهران

ب) منابع انگلیسی

- Cipriani, Don , (2009) Children's Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective, England: Ashgate Publishing .
- Convergence, and Risk, Series: Ius Gentium: Comparative Perspectives on Law and Justice, Vol. 9.
- Elliot, Catherine; Quinn, Frances, (2000) Criminal Law, Pearson Education Limited, London: Third edition.
- Elliott, (2011) Catherine and Quinn, Frances, Criminal Law, Eighth Edition, London, Pearson Education Limited.
- en.wikipedia.org/wiki/ Strictliability criminal)
-
- Harding, C., (2000) Criminal Enterprise: Individuals, Organizations and Criminal Responsibility, Cullompton, UK.



- _ Herring, Jonathan ,(2010) Criminal Law [The Basics], first published, New York, Rutledge.
- _ Husak, Douglas N., (1995) “The Nature and justifiability of Nonconsummate offences”,Arizona Law Review, Vol. 37.
in: <http://www.crim.cam.ac.uk/research/cpt/liability>
in: <http://sixthformlaw.info/plesstrictliability.htm>
- _ Nanda, Ved P., (2011) Corporate Criminal Liability in the United States: Is a new Approach Warranted?, Springer Science & Business Media B.V.
- _ Pieth, Mark & Radha Ivory (Eds.), (2006) Corporation Criminal Liability: Emergence,
Strict Liability (Criminal), visited on 25/1/2009, Printed
Strict Liability (Principles), visited on 25/1/2009, Printed





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی